

هر جامعه ای برای پیشرفت و رشد در ابعاد مختلف اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و ... نیاز به افرادی دارد که از نظر روانی و جسمانی سالم باشند. با توجه به اینکه کودکان امروز، صاحبان بلافصل آینده جامعه هستند، سلامتی و بیماری آنان در سلامتی و بیماری جامعه فردا و نسلهای آینده اثراتی قابل توجه خواهد داشت. بنابراین، لازم است به سلامت روانی-جسمانی این قشر عظیم بیشتر توجه شود و گامهایی اساسی در جهت پیشگیری و درمان بیماریها و اختلالات روانی و رفتاری آنان برداشته شود. در مجموع، تحقیقات معتبر انجام شده در جهان نشان داده اند که میزان اختلالات رفتاری در کودکان سنین دبستانی در مناطق مختلف متغیر بوده و معمولاً بین ۲ تا ۱۲ درصد است که در غالب موارد بررسی شده، میزان شیوع این اختلالات در پسران بیشتر از دختران بوده است. علاوه بر آن نتایج بررسیهای انجام شده نشان می دهد که میزان شیوع این اختلالات در دانش آموزان پایه های چهارم و پنجم دبستان بیش از سایر پایه هاست (قادر باقری، ۱۳۷۳).

بررسی آماری ده کشور اروپایی و نیز نتایج مطالعات شیوع شناسی در ۱۱ شهر و استان کشورمان نشان داده است که عواملی همچون نابسامانی های درون خانواده (عدم سازگاری والدین، سرزنش، تهدید، انضباط ضعیف، تحصیلات پایین والدین، فقر اقتصادی)، عوامل مربوط به مدرسه مانند روابط معلم و دانش آموزان و دانش آموزان با یکدیگر، وضعیت تحصیلی، کیفیت و امکانات آموزشی، همچنین سن، جنس، هوش به عنوان (عوامل وراثتی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی، مهمترین علل بروز اختلالات رفتاری هستند (شمس شمس اسفند آباد، ۱۳۸۰). بنابراین، شناخت دقیق و علمی مشکلات روانی و رفتاری کودکان و شیوع شناسی اختلالات رفتاری آنان اولین گام در جهت پیشگیری و درمان آنهاست.

هدف اصلی این مطالعه، تعیین میزان شیوع اختلالات رفتاری در دانش آموزان دختر دبستانی شهر دماوند در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بوده است که به منظور، تعیین رابطه بین عواملی همانند میزان تحصیلات، ترتیب تولد، وضعیت تحصیلی، شغل والدین، سن با اختلال رفتاری و میزان همبستگی اختلالات رفتاری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مد نظر قرار گرفت.

## ۱.۱ بیان مساله

کودکان، گل های باغ زندگی، ثمرات زندگی خانوادگی و آینده سازان جامعه و مملکت هستند. در روزگار ما، وجود آنها توجه بیشتری را از جانب والدین و اولیای امور آنها از جمله مدارس و ... می طلبد. اما در عین حال، انواع مشکلات و مسائلی را که خانواده ها با آن دست به گریبانند، بر تربیت و شخصیت آنها تأثیر می گذارد؛ از جمله مسائل اقتصادی، اجتماعی، افزایش جمعیت و تراکم، زندگی شهرنشینی و تجمل گرایی. باید توجه داشت که بسیاری از اختلالات روانی که در بزرگسالی به چشم می خورد ریشه در مشکلات دوران کودکی و نوجوانی دارد؛ مشکلاتی در خانواده ها از جمله: اختلاف بین والدین، طلاق، فقر، اعتیاد و ... همه بر شکل گیری شخصیت کودک

تأثیر می‌گذارد و باید توجه داشت که رفتار کودک در واقع بازتاب و آینه‌ای از وجود پدر و مادر و فضای حاکم بر خانواده اوست.

کودکی که به دنیا می‌آید عالی‌ترین و کامل‌ترین امکانات رشد را داراست. او در بهترین حالت خود آفریده شده است و آمادگی و ظرفیت آن را دارد که به شایسته‌ترین وجه پرورده شود و به برترین کمالات دست یابد. اما زندگی خانوادگی و محیط بهداشتی، آموزشی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری از مردم جهان چنان است که دستیابی به چنین مقصودی را دشوار و گاه امکان‌ناپذیر می‌سازد. محدودیت‌های محیط زندگی گروهی از کودکان چنان زیاد است که بقای آنان نیز ناممکن می‌گردد.

متأسفانه اکثر ما به درستی نمی‌دانیم که هرگاه فرزندانمان از امکانات رشد و پرورش صحیح برخوردار باشند، چه زندگی متعالی در انتظارشان است. ما غالباً غافل از آنیم که سعادت و کمال کودکانمان در گرو رشدیافتگی ما بزرگسالان است.

ما غالباً فرزندان خود را به دلیل خطاها و اختلال‌ها و ناسازگاری‌هایشان محکوم می‌کنیم یا به باد ناسزا و تنبیه می‌گیریم و فراموش می‌کنیم که به جای آن باید خطاها و ندانم‌کاری‌های خودمان را دلیل بروز مشکلات آنان بدانیم.